

فرانسوا دروش

مروری بر مقاله نسخه های خطی قرآن

۶۲-۴۵

نصرت نیل ساز
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

مروری بر مقاله نسخه‌های خطی قرآن

فرانسوا دروش / نصرت نیل ساز

چکیده: مدخل «نسخه‌های خطی قرآن» از دایره المعارف قرآن لیدن را فرانسوا دروش، یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران نسخه‌های خطی قرآن، نوشته است. مقاله مذکور شامل یک مقدمه کوتاه و هشت بخش است. نویسنده در نوشتار حاضر به تشریح مقاله و مباحث مطرح شده در آن می‌پردازد. هشت بخش مقاله مذکور بدین شرح‌اند: نسخه‌های خطی پیش از مصحف عثمانی، ویژگی‌های مصاحف حجازی و اموی، مصاحف قرآنی در دوره نخستین عباسی، سده تغییر، به سوی مصاحف قرآنی جدید، مصاحف قرآن در غرب جهان اسلام و در غرب آفریقا، تحولات بعدی، تولید و نگه داری.

کلیدواژه: مقاله نسخه‌های خطی قرآن، فرانسوا دروش، دایره المعارف لیدن، دایره المعارف قرآن، نسخه‌های خطی.

Manuscripts of the Qur'an: a Review

Francois Deroche

By: Nosrat Nilsāz

Abstract: The entry of “Manuscripts of the Qur’an” from Leiden Encyclopedia of the Qur’an is written by François Dorosh, one of the most prominent researchers in the field of the manuscripts of the Qur’an. The article consists of a brief introduction and eight sections. The author in the present paper outlines the article and the topics discussed therein. The eight sections of the article are as follows: Pre-Uthmānic manuscripts, the Hijāzi and Umayyad codices, the Qur’anic codex in early Abbāsīd times, A century of change, towards the modern Qur’anic codex, the Qur’anic codex in the western Islamic world and in West Africa, Later developments, Production and conservations.

Key words: Manuscripts of the Qur’an, Francois Deroche, Leiden Encyclopedia, encyclopedia of the Qur’an, manuscripts.

نظرات علی مقاله مخطوطات القرآن

فرانسوا دروش / ترجمه: نصرت نیل ساز

کتاب فرانسوا دروش أحد أبرز خبراء و محققى مخطوطات القرآن مقاله المعنونة (مخطوطات القرآن) في موسوعة ليدن القرآنية، وقد اشتملت مقاله على مقدمة قصيرة وثمانية فصول.

يقدم الكاتب في المقال الحالي شرحاً للمقالة المذكورة وما طرحه من المباحث.

أما الأقسام الثمانية للمقالة المذكورة، فهي كالتالي:

مخطوطات ما قبل المصحف العثماني، مميزات المصاحف الحجازية والأموية، المصاحف القرآنية في العصر العباسي الأول، قرن التغيير، نحو المصاحف القرآنية الجديدة، المصاحف القرآنية في غرب العالم الإسلامي وفي غرب أفريقيا، التطورات الأخيرة، الاستنساخ والمحافظة.

المفردات الأساسية: مقاله مخطوطات القرآن، فرانسوا دروش، موسوعة ليدن القرآنية، دائرة المعارف القرآنية، النسخ الخطية.

مروری بر مقاله نسخه‌های خطی قرآن

فرانسوا دروش

نصرت نیل ساز
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

مدخل «نسخه‌های خطی قرآن»^۱ از دایرةالمعارف قرآن لیدن را فرانسوا دروش (۱۹۵۲-)، یکی از برجسته‌ترین متخصصان و پژوهشگران نسخه‌های خطی قرآن نوشته است. کتاب وی به نام قرآن‌های عصر اموی: مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف^۲ در سال ۱۳۹۴ در زمره آثار برگزیده سی و سومین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

مقاله شامل یک مقدمه کوتاه و هشت بخش است: نسخه‌های خطی پیش از مصحف عثمانی، مصاحف حجازی و اموی، مصاحف قرآنی در دوره نخستین عباسی، سده تغییر، به سوی مصاحف قرآنی جدید، مصاحف قرآن در غرب جهان اسلام و در غرب آفریقا، تحولات بعدی و تولید و نگهداری.

دروش در مقدمه ضمن اشاره به اهمیت و جایگاه نسخه‌های خطی در میراث تمدن اسلامی، همچنین وقت و تلاش زیادی که کاتبان حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای صرف نگاشتن وحی کرده‌اند می‌نویسد: «بنابراین تعجیبی ندارد که نسخه‌های خطی قرآن در قالب‌هایی با طیف گسترده یافت می‌شوند؛ از قرآن‌هایی در یک مجلد (مصحف) تا مجموعه‌هایی (ربعه) دو تا شش جلدی یا گزیده‌هایی که معمولاً در پیوند با ادعیه است. در همه این موارد دست‌نویس‌ها به صورت یک مصحف است؛ یعنی کتابی که شامل تعدادی دسته‌ورق^۳ است که از به هم پیوستن شمار مختلفی از برگه‌های چرمی، کاغذی یا حتی پاپیروس فراهم آمده است. قرآن بر مواد دیگری چون چوب یا کاشی و در قالب‌های دیگر مانند طومار یا برگه که هر دو برای تعویذ هم استفاده می‌شد نیز یافت می‌شود»، اما این مقاله صرفاً به نسخه‌های خطی در قالب مصحف می‌پردازد. دروش آن‌گاه ضمن اشاره به ناهمگونی پیشرفت پژوهش‌ها بر نسخه‌های خطی قرآن از جنبه‌های مختلف می‌گوید: «برخی جنبه‌ها مانند تزئینات بسیار خوب بررسی شده، در حالی که جنبه‌های دیگر مانند نقل مکتوب متن در آغاز هنوز نیازمند مطالعات جامع است. مجموعه مدارک، یعنی نسخه‌های بدون تزئینات یا نوشته شده به خط معمولی در دوره‌ای متأخرتر، حتی هنوز بررسی یا دسته‌بندی هم نشده‌اند و این به رغم اهمیتی است که در مطالعه موضوعاتی با طیف گسترده، از ایمان عمومی تا چگونگی نشر کتاب در سرزمین‌های اسلامی دارند».

پیش از پیدایش قالب کلاسیکی که حتی نسخه‌های چاپی جدید هم بر اساس الگوی آنها منتشر می‌شوند، نسخه‌های دست‌نویس قرآن در نخستین سده‌های اسلامی با شتاب زیاد دچار تغییرات فراوان شدند. در نتیجه دروش در این مقاله بیشتر به دوره نخست توجه دارد؛ زیرا این دوره شاهد دگرگونی‌ها و اصلاحات بسیار بود و راه را برای مصاحف جدید گشود.

1. Déroche, François "Manuscripts of The Qurān", in Encyclopedia of the Qurān, J. D. McAuliffe (ed), Leiden 2001 – 2006, vol 3, pp. 254 – 275.

2. Déroche François, Qur'ans of the Umayyads: A First Overview, Leiden: Brill, 2014.

برای ترجمه فارسی این اثر رک به: قرآن‌های عصر اموی: مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا و آلاء وحیدنیا، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۹۵.

اثر دیگر دروش هم به فارسی ترجمه شده است، رک به: سبک عباسی: قرآن نویسی تا قرن چهارم، ترجمه پیام بهتاش، انتشارات کارنگ، تهران، ۱۳۷۹.

3. quire

نسخه‌های خطی پیش از مصحف عثمانی

در بخش نخست مقاله دروش ضمن اشاره به نوشت افزارهایی که براساس گزارش‌های مسلمانان در زمان پیامبر قرآن بر آنها نوشته می‌شد می‌گوید: «حتی اگر فرض کنیم مسلمانان نخستین با مفهوم «کتاب» آشنا بودند، هیچ شاهی بر فراهم آمدن مصحفی مشتمل بر متن وحی پیش از رحلت پیامبر وجود ندارد. چنین قالب بسته شده‌ای برای آن موقعیت که هنوز آیات دیگری از قرآن نازل می‌شد مناسب نبود. مواد مختلف یادشده در گزارش‌های اسلامی نشان می‌دهد که اینها یادداشت‌هایی برای استفاده شخصی بوده است و بنابراین کاملاً متن «منتشرشده» در معنایی نزدیک به کاربرد امروزی تفاوت دارد».

به عقیده دروش باقی نماندن هیچ اثری از این یادداشت‌های اولیه، شاهی دیگر در تأیید این نظریه است که آنها نسخه‌هایی به معنای دقیق کلمه تلقی نمی‌شدند و با تدوین مصحف قرآنی همه آنها کنار نهاده شدند. به هر صورت استخوان‌های کتفی متعلق به دوره‌های متأخرتر با گزیده‌ای از آیات یافت شده است، اما این به معنای تلاش برای نوشتن کل قرآن به این صورت نیست. براساس گزارش‌کننده در رساله، مسلمانان نخستین، متن قرآن را به تقلید از تورات یهودیان بر طومار هم می‌نوشتند. در این مورد هم اگر چه هیچ مدرکی در اثبات این ادعا باقی نمانده، اما طومارهای حاوی متن قرآن که اوری^۴ منتشر کرده تنها یک ستون نوشته دارد و مانند تورات در ستون‌های موازی نوشته نشده است.

سپس دروش به نسخه‌های خطی منسوب به علی (ع) و دیگر صحابه مانند عثمان اشاره می‌کند. وی اغلب این انتسابات را که در قرن ششم مشهور شده است، مبتنی بر یادداشتی نوشته شده در دوره‌ای متأخر می‌داند، اما می‌گوید گاهی ظاهراً یک پایان‌نوشت^۵ در تأیید این ادعا وجود دارد. منجد تلاش کرده است که با توجه به متأخر بودن مواد به کاررفته که عمدتاً مربوط به سده سوم است، این انتسابات را رد کند.^۶ علاوه بر این پایان‌نوشت‌های یادشده گاه دارای اشتباهات فاحش‌اند؛ مانند نسخه^۷ TKS Y, ۷۴۵ در موزه تویقایی سارای که گمان می‌شود کاتب آن علی بن ابوطالب [کذا] است و نامش در سمت راست متن نوشته شده است.^۷ برخی از

این قرآن‌های کهن مانند نسخه قرطبه تنها شامل چند صفحه است، در حالی که نسخه‌ای کامل از این دست قرآن‌ها در مسجد جامع دمشق نگهداری می‌شود. مراسم عبادی اصیل با محوریت این آثار عتیقه انجام می‌شود: در قرطبه دو خادم نسخه مجلد را به همراه برگ‌هایی از گنجینه موجود در مسجد جامع حمل می‌کنند و فردی دیگر، شمع در دست پیشاپیش آنها راه می‌رود. آنها به محلی می‌روند که امام برای نماز ایستاده است و نسخه را بر پایه‌ای قرار می‌دهند.^۸ گروهی فهرستی از نسخه‌های قرآنی کهن را فراهم آورده است که تاریخ کهن‌ترین آنها به سال ۹۴ می‌رسد، اما این قرآن هرگز چاپ نشده است و تریدهای زیادی درباره آن وجود دارد.^۹ گفته می‌شود پالمپست‌های^{۱۰} قرآنی قدیم‌تر از نسخه عثمانی است.^{۱۱}

۸. مقری، فنج الطیب، ج ۱، ص ۳۶۰.

9. A. Grohmann, "The problem of dating early Qurāns", *Der Islam* 33 (1958), 213-131.

[مترجم: برای گزارشی فارسی از این مقاله رک به: نیل سار، نصرت؛ «مروری بر مقاله مسئله تاریخ‌گذاری قرآن‌های کهن»؛ آینه پژوهش، شماره ۱۴۹-۱۵۰، ص ۱۲۸-۱۳۲].

۱۰. palimpsests. نسخه‌هایی که نوشته‌های اولیه آن پاک و دوباره روی آن نوشته شده است.

11. Mingana, Alphonse and Agnes Smith Lewis. *Leaves from three ancient Qurāns possibly pre-Othmānic with a list of their Variants*. Cambridge, Cambridge University Press, 1914 and previous partial edition in Smith Lewis, Agnes.

مترجم: خانم آگنس اسمیت لویس در سومین سفرش به مصر در سال ۱۸۹۵ مجموعه‌ای نسخه خطی را در سوئز خریداری کرد. این مجموعه حاوی ۱۶۲ برگ بود که به صورت ۲۲ دسته‌ورق به هم وصل شده بود. «نوشته آشکار و بالایی» (scriptio superior) این نسخه‌ها موعظه‌های کشیشان مسیحی بود که به عربی نوشته شده بود. خانم لویس متوجه شد که پیش‌تر برای این ورق‌ها متون مختلف دیگری، برگرفته از نسخه‌های متعدد، نوشته شده بوده است. وی در این «نوشته‌های زیرین» (scriptio inferior) متون مختلفی از جمله «قطعه‌هایی از قرآن» را یافت. یافته‌های خانم لویس در سال ۱۹۰۲ در مقاله‌ای با مشخصات زیر چاپ شد:

A. S. Lewis (Ed. and Trans.), *Apocrypha Syriaca: The Protevangelium Jacobi And Transitus Mariae With Texts From The Septuagint, The Corān, The Peshitta, And From A Syriac Hymn In A Syro-Arabic Palimpsest Of The Fifth And Other Centuries*, 1902, *Studia Sinaitica*, No. XI, pp. xvii-xxi, Plates IV and V

بعدها لویس و آلفونس مینگانا مطالعاتی دقیق‌تر بر «قطعه‌های قرآنی» انجام دادند که نتیجه آن در سال ۱۹۱۴ در کتابی که مشخصات آن در بالا آمده، توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شد. در همان سال این نسخه‌ها برای فروش به لایپزیگ فرستاده شد اما بر اثر وقوع جنگ جهانی اول مدت‌ها از سرنوشت آنها خبری در دست نبود تا اینکه با پیگیری و تلاش دکتر اومن (Oman) از کالج وست مینستر کمبریج و پروفیسور هونه (Heune) از توینگن پیدا و بنا به وصیت خانم لویس که ده سال پیش درگذشته بود، در بیستم آوریل ۱۹۳۶ این نسخه‌ها بار دیگر به کتابخانه دانشگاه کمبریج برگردانده شد. لویس و مینگانا در کتاب فوق تفاوت‌های این «قطعه‌های قرآنی» که برگرفته از سه نسخه قرآن مختلف بودند (و آن‌ها را A, B, C نامیدند) با مصحف رسمی را نشان داد و به همین دلیل آنها را به احتمال مربوط به زمانی قبل از مصحف عثمانی دانسته بودند. این کتاب با توجه به سوء شهرت مینگانا به سبب جعل و تحریفی که دوبار در جوانی در مورد نسخه‌های خطی انجام داده بود، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفت، اما این قطعه‌های قرآنی به «پالمپست‌های مینگانا» مشهور شد. در سال ۲۰۰۵ خانم آلیا فیدلی بار دیگر این «قطعه‌های قرآنی» را بررسی و یافته‌های مینگانا را ارزیابی کرد. او در برخی موارد این یافته‌ها را تأیید و گاه رد کرده است و در برخی موارد هم نسخه غیرقابل خواندن بوده است. وی اشتباهات مینگانا را با توجه به امکانات آن دوره طبیعی می‌داند. رک به:

A. Fedeli, "Mingana And The Manuscript Of Mrs. Agnes Smith Lewis. One Cen-

4. Ory

5. colophon

۶. رک به: برای نمونه موزه تویقایی سارای TKS A1 یا TKS Y, ۷۴۵ یا Türk İslām Eserleri Müzesi, 458 هر دو در استانبول.

۷. دواشتباه یکی این است که به جای ابی طالب، ابوطالب نوشته شده و دیگر اینکه نام در سمت راست آمده است.

مصاحف حجازی و اموی

در بخش دوم مقاله نویسنده ویژگی‌های مصاحف حجازی و اموی را بررسی می‌کند. به عقیده دروش کهن‌ترین نسخه‌ها و قطعه‌های قرآنی با گزارش‌های موجود در منابع اسلامی درباره تدوین نسخه رسمی قرآن توسط خلیفه سوم، عثمان (د.ح. ۲۳-۳۵) در تعارض نیست. از نظر او به قطع نمی‌توان قطعه‌های موجود از مصاحف کهن را متعلق به دوره‌ای پیش از عثمان دانست. وی پالیمپست‌هایی که مینگانا و لوئیس منتشر کرده‌اند را از کهن‌ترین قطعه‌ها می‌داند، با این حال می‌گوید هیچ شاهدهی وجود ندارد که لزوماً قدیم‌تر از بسیاری قطعه‌های دیگر باشد. این نکته در مورد دو قطعه پالیمپستی که در حجاجی سال ۱۹۹۲ فروخته شد نیز صادق است. این دو قطعه قدیمی‌ترین متونی است که بر روی هر دو نوشته شده است: به خط حجازی. اصطلاح خط حجازی را [خاورشناس ایتالیایی] امری^{۱۲} در نیمه قرن نوزدهم بر اساس توضیحی که ابن ندیم (م.ح. ۳۸۵) درباره کهن‌ترین خط‌های عربی آورده است به کار برد. ابن ندیم می‌نویسد: «نخستین خط عربی، خط مکی بود، سپس مدنی و سپس بصری و بعد کوفی. «الف‌ها» در خط مکی و مدنی با چرخشی به سمت راست و کشیدگی همراه است و شکل آن اندکی انحناء دارد».

امری با بررسی نسخه‌ها و قطعه‌های قرآنی کهن در مجموعه پاریس توانست قطعه‌های دارای این ویژگی‌ها را شناسایی کند. متأسفانه اثر وی چندین مورد توجه قرار نگرفت و مطالعه این مستندات پیشرفت چشمگیری نداشت تا اینکه نبیه عبود به این موضوع پرداخت.^{۱۳} انتشار روشمند تصاویر این قرآن‌های که کهن در سال ۱۹۹۸ آغاز شد^{۱۴}.

دروش با اشاره به اینکه مجموعه مصاحف کهن قرآنی که تا کنون

شناخته شده است برخاسته از سه مرکز مهم یعنی دمشق، فسطاط و صنعاء است؛ تصریح می‌کند که نام خط‌ها و جایگاه فعلی مصاحف نشان‌دهنده خاستگاه آنها نیست. او می‌نویسد: «نام این خط، یعنی حجازی (مانند وصف «کوفی») بدین معنا نیست که این نسخه‌ها در حجاز نگاشته شده‌اند. جایگاه فعلی این مصاحف را هم نمی‌توان شاهدهی قاطع بر خاستگاه آنها که تا کنون مورد تردید باقی مانده است تلقی کرد». بررسی‌های اولیه نشان از طیف گسترده تفاوت‌ها در این خط دارد؛ گویی ویژگی‌های خاص دستخط افراد برای کاتبان، عالمان یا خوانندگان چندان اهمیت نداشت. این گونه‌گونی را می‌توان ناشی از عادت‌های منطقه‌ای تلقی کرد، اما این توضیح برای تفاوت‌های بسیار زیاد و چشمگیر دستخط‌های کاتبان مختلف یک منطقه که در نوشتن یک نسخه مشارکت داشته‌اند قانع‌کننده نیست. دروش عقیده دارد که احتمالاً هنوز معیار مشترکی برای این خط وضع نشده بود؛ از این رو پیشنهاد می‌کند که برای اطمینان بیشتر به جای «خط حجازی» از اصطلاح «سبک حجازی» استفاده شود.

مدارک یافت شده عمدتاً بر اساس شواهد خط‌شناسی تاریخ‌گذاری شده‌اند: شکل الف و انحنای آن، کشیدگی حروف و همچنین شباهت‌ها با خط کهن‌ترین پاپیروس‌ها، آن‌گونه که امری و گروهمن نشان داده‌اند، اما تا کنون هیچ شاهدهی صریحی مثلاً یک «پایان نوشت» یافت نشده است. آزمایش پوست‌نوشته‌ها با کربن ۱۴ هم تنها می‌تواند تاریخ این نسخه‌ها را روشن سازد، اما خاستگاه جغرافیایی را مشخص نمی‌کند. بنابراین تاریخ‌گذاری در نیمه دوم قرن اول تخمینی است و پژوهش‌های آینده می‌تواند تاریخ مصاحف حجازی را روشن سازد. به هر صورت شکل ناقص نوشتن «الف» (معروف‌ترین نمونه آن نوشتن قل به جای قال است) اعتبار تاریخ کهن تعیین شده برای این مخطوطات و برگ‌نوشته‌ها که در برخی از آنها بسمله یک آیه شمرده شده است را بیشتر می‌کند. صرف نظر از این ویژگی عجیب، بیشتر دست‌نوشته‌های تا کنون شناخته شده، بسیار شبیه متن رسمی است. اگرچه بنا به گزارش پوبین^{۱۵} در برخی از قطعه‌های مصاحف حجازی پیدا شده در صنعاء، پاره‌ای اختلافات متنی وجود دارد که در منابع بعدی ثبت نشده است. همچنین ترتیب سوره‌ها هم با مصحف رسمی و هم با مصاحف ابن مسعود و ابی بن کعب تفاوت دارد.

سپس دروش مشخصات خط مصاحف حجازی را چنین بیان

15. Puin, G. R. Observations on early Qur'ān manuscripts in San'ā', in Wild, Text, 107-111.

tury Later", *Manuscripta Orientalia*, 2005, op. cit, pp. 3-7

بار دیگر با توجه به تجربیاتی که در تهیه نسخه‌های دیجیتال از مصاحف کهن صنعاء در سال ۲۰۰۷ داشت طرح تهیه نسخه‌ای دیجیتالی از این پالیمپست‌ها را به دانشگاه کمبریج پیشنهاد کرد که در سال ۲۰۰۹ پذیرفته شد و نتایج پژوهش او یک سال بعد منتشر شد. رک به:

A. Fedeli, *Digitisation Of The Mingana-Lewis Palimpsest*, Cambridge University Library. Final Report Of The Project Funded By TIMA, 2010, The Islamic Manuscript Association, Cambridge, pp. 1-4. Available online (accessed 12th November 2014).

12. A. Amari, *Bibliographie primitive du Coran*, in G. Salvo Cosso (ed.), *Centenario della nascita di Michele Amari*, 2 vols., Palermo 1910, I, 1-22.

13. Abbott, Nabia, *Rise of north Arabic script and its Qurānic development*. With a full description of the Qurān manuscripts in the Oriental Institute, Chicago, 1939.

14. Déroche and Nosedá {eds}. *Sources de la transmission du texte coranique*.

می‌کند: خط این مصاحف باریک است و معمولاً در صفحه کشیده می‌شود. فاصله میان حروف همیشه یکسان است، فارغ از اینکه بخشی از یک کلمه باشند یا نه؛ در نتیجه یک کلمه ممکن است در انتهای سطر شکسته شود. پایان آیات با خوشه نقطه‌هایی نشان داده می‌شود اما دسته پنج یا ده تایی آیات ظاهراً مشخص نمی‌شود. مصوت‌ها ثبت نشده و میزان استفاده از شکل توسط کاتبان متفاوت است. هنگامی که دو کاتب یا بیشتر در نوشتن یک مصحف سهیم بوده‌اند، ظاهراً بر قواعدی مشترک توافق نداشته‌اند و حروف را بر اساس عادت شخصی نقطه‌گذاری کرده‌اند. اگرچه کاتبان از خط‌کش استفاده می‌کردند، اما شمار سطرها در صفحه‌های مختلف متفاوت است. میان سوره‌ها فضایی خالی نهاده می‌شود، اما برخی قطعه‌ها نشان می‌دهد که ترتیبی اولیه با جوهر نیز مجاز بوده است (البته اگر متعلق به مرحله ثانویه مصاحف حجازی نباشند). نام سوره‌ها که در این نسخه‌ها اغلب با جوهر قرمز دیده می‌شود، بعدها اضافه شده‌اند. نمونه‌هایی از تقسیم متن به هفت بخش وجود دارد که در خود متن مشخص شده است، مثلاً در نسخه BI ۲۶۱۵Or کتابخانه بریتیش چنین تقسیم‌هایی با جوهر سبز مشخص شده‌اند، اما در دوره متأخرتر نشانه‌های تقسیم متن را نه در خود متن که در حاشیه قرار می‌دادند. البته به عقیده دروش نشانه‌هایی که در حاشیه نیامده‌اند هم اضافات متأخر است، اما کوتاهی این نشانه‌ها تاریخ‌گذاری آنها و بنابراین تعیین فاصله زمانی میان کتابت متن قرآن و افزودن آنها را ناممکن می‌سازد.

نویسنده مقاله درباره تفاوت سبکی که مسلمانان برای نوشتن قرآن انتخاب کردند با سبک کتاب‌های مقدس دیگر ادیان چنین می‌نویسد: «آنها برای کتاب مقدس خود قالب کتاب را انتخاب کردند؛ یعنی همان قالب مصحف و شروع به نوشتن متن در سطرهای طولانی کردند، در حالی که در دیگر ادیان صاحب کتاب خاورمیانه، متون در قالب ستون‌ها سامان می‌یافت. بیشتر مصاحف حجازی در قالب نامعمول آن زمان، یعنی عمودی است، جز شمار اندکی که در قالب مستطیلی است که بعدها قالب معمول مصاحف قرآنی در قرن دوم گردید. چون خط دسته اخیر از این نسخه‌های خطی ضابطه‌مندتر از سایر مصاحف حجازی است، آنها را متعلق به مرحله متأخرتری، احتمالاً انتهای قرن اول یا آغاز قرن دوم دانسته‌اند.»

در بخش بعد دروش به جنس مخطوطات قرآنی اشاره می‌کند. همه نسخه‌های خطی کهن قرآنی که به دست ما رسیده است بر روی پوست نوشته شده‌اند. متن نوشته شده بر چند قطعه پاپیروس که گروهمن منتشر کرده به حدی کوتاه است که نمی‌توان درباره همزمانی آنها با مصاحف نوشته بر پوست داوری کرد. ممکن است این پاپیروس نوشته‌ها بقایای گلچین‌های قرآنی بوده باشد. شیوه استفاده از چرم برای تشکیل دسته‌ورق‌ها نیز همانند خط در نسخه‌های مختلف تفاوت زیادی دارند، البته تا آنجا که صفحه‌های باقی‌مانده برای بازسازی دسته‌ورق‌های اصلی کافی بوده است.

نکته مهم دیگر کارکرد مصاحف حجازی است که از نظر دروش تعیین دقیق آن امکان‌پذیر نیست. اندازه بسیاری از آنها نشان می‌دهد که برای استفاده عمومی مثلاً در مسجد بوده‌اند. بر اساس شواهد موجود در نسخه پاریس (Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe 328a) ظاهراً از این مصاحف برای دوره‌ای طولانی مراقبت شده است: برخی از جاهای این نسخه که جوهرش کم‌رنگ شده بوده، به قلمی دیگر بازنگاری شده است که نمی‌تواند زودتر از پایان قرن سوم تاریخ‌گذاری شود.

در انتهای قرن اول یا ابتدای قرن دوم، گرایش جدید ظاهر مصاحف قرآنی را تغییر داد تا آنجا که می‌توان بر اساس بهترین حالت بازسازی تاریخ خط‌های قرآنی مشخص کرد، دوره اموی شاهد پیدایش سبکی بود که در آن شکل حروف منظم‌تر و قلم بیشتر عمودی است. این امر ممکن است در پیوند با اصلاحات عبدالملک باشد که فرمان داد مقامات حکومتی باید از خط عربی به جای خط یونانی و فارسی استفاده

دروش به نسخه‌های خطی منسوب به علی ع و دیگر صحابه مانند عثمان اشاره می‌کند. وی اغلب این انتسابات را که در قرن ششم مشهور شده است، مبتنی بر یادداشتی نوشته شده در دوره‌ای متأخر می‌داند، اما می‌گوید گاهی ظاهراً یک پایان‌نوشت در تأیید این ادعا وجود دارد.

امری با بررسی نسخه‌ها و قطعه‌های قرآنی کهن در مجموعه پاریس توانست قطعه‌های دارای این ویژگی‌ها را شناسایی کند. متأسفانه اثری چندان مورد توجه قرار نگرفت و مطالعه این مستندات پیشرفت چشمگیری نداشت تا اینکه نبیه عبود به این موضوع پرداخت. انتشار روشمند تصاویر این قرآن‌های که کهن در سال ۱۹۹۸ آغاز شد.

کنند و در نتیجه باعث رونق استفاده از خط عربی شد. یکی دیگر از پیامدهای این‌گونه تصمیمات اجرایی می‌توانست پیدایش ایده خط‌های خاص قرآنی باشد. خط پاپیروس‌های متعلق به قرن اول با خط مصاحف حجازی شباهت‌هایی دارند، اما در دوره بعدی چنین نیست و تفاوت خط قرآنی با خط نوشته‌های غیردینی بسیار زیاد است. شاهد دیگر برای تاریخ‌گذاری این سبک در دوره اموی، نوار بالای سوره‌های قرآنی است که در قطعه‌های دمشق یافت شده است^{۱۶} که آشکارا با مجموعه موزاییک‌های تزئینی قبة الصخره در پیوند است. بدین ترتیب تزئینات به نسخه‌های خطی قرآن راه یافت. شواهد موجود نشان می‌دهد که این نخستین نمونه استفاده از طلا در تزئینات قرآنی است. سایر آزمایش‌های انجام شده بر روی این گروه از نسخه‌های خطی و قطعه‌ها نشان می‌دهد در برخی از آنها آن چنان که در آن زمان معمول بود یک سطر میان دو سوره خالی رها می‌شد، اما این فضا با استفاده از جوهررنگی (قرمز و / یا سبز) برای سطرهای نخست سوره بعد و گاه برای آخرین سطور سوره قبل مشخص می‌شد. هنگام نشانه خاص گذاشتن برای یک دسته ده‌تایی از آیات هم از جوهررنگی استفاده می‌شد. در یک قطعه^{۱۷} هم این نشانه طلایی نوشته شده است. تلاش‌های دیگری که می‌توان به این دوره یا زمانی متأخرتر نسبت داد - برای مثال نقاشی خط‌هایی^{۱۸} با جوهرهای رنگی که بر متن نوشتار شکل می‌گرفت - پیچیده‌تر است: املائی کلمات نیز در حال تغییر بود و حتی دو نسخه هم مشابه نبود و حتی این دست تفاوت‌ها در یک نسخه هم دیده می‌شود، اما به طور کلی نشان‌دهنده تکامل تدریجی به سوی یک خط دارای شکل^{۱۹} است.

ارزیابی قرآن دیگر منسوب به دوره اموی دشوارتر است: برخی برگ‌نوشته‌ها^{۲۰} تنها بقایای نسخه‌ای عظیم (به ابعاد ۵۱ × ۴۷ سانتیمتر) است که در اصل ۲۵۰ برگ داشته است. تزئینات شگرف (به ویژه دو تصویر یک مسجد) هیچ مشابهی ندارد و خط آن حاکی از تحولی متأخر است. یک قاب پیچیده دوردور نوشته نخستین صفحه متن قرار گرفته است.^{۲۱}

مصاحف قرآنی در دوره نخستین عباسی

درباره مصاحف بخش نخست دوره عباسی اطلاعات اندکی وجود دارد، اما آگاهی ما از قرآن‌های سده سوم، شامل چند نسخه خطی تاریخ‌گذاری شده، پیشرفت خوبی داشته است. در اینجا هم تاریخ‌گذاری قرآن‌ها در قرن دوم عمدتاً مبتنی بر کهن خط‌شناسی^{۲۲} است، اما در مقایسه با شواهد قرن نخست، در این قرن جای پای محکم‌تر است؛ زیرا شواهد کهن خط‌شناسی بیشتری باقی مانده است. خط‌های قرآنی این دوره به طور سنتی کوفی نامیده می‌شود، اما دروش معتقد است اگر آن را «خط دوره نخست عباسی» بنامیم دقیق‌تر است؛ زیرا پیوند هیچ یک از آنها با شهر کوفه مشخص نیست. به طور کلی در این خط شواهدی بر پیدایش گروهی از کاتبان بسیار ورزیده و مجموعه‌ای از قواعد استفاده از سبک‌های مختلف وجود دارد. دروش به یک گونه‌شناسی، آزمایشی برای دسته‌بندی مدارک که خودش در دهه هشتاد قرن بیستم ابداع کرده است اشاره می‌کند. در این گونه‌شناسی شش گونه خط تعریف و از A تا F نام‌گذاری شد که هر یک بسته به شمار مختلف سبک‌ها تقسیماتی فرعی پیدا می‌کنند (برای نمونه B II یا D IV^{۲۳}). یکی از پیشرفت‌های مهم این دوره ابداع نظامی برای نشانه مصوت‌هاست که با قراردادن نقطه‌های قرمز

16. Türk İslâm Eserleri Müzesi, TIEM, ŞE 321

17. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe 330c

18. calligrams

19. scriptio plena

۲۰. دارالمخطوطات، شماره ۲۰-۳۳، ۱.

۲۱. مترجم: رک به: نیل‌ساز، نصرت، «میراث بی‌ظنیر مسجد جامع صنعاء»، آینه پژوهش، ش ۱۲۲، ۱۳۸۹، ص ۲۲.

22. paleography

23. Déroche, Abbasid tradition, 34-47; id, Catalogue I/I. Aux origines de la calligraphie coranique, 37-45

برصامت ها مشخص می شد. برای فتنه بالای حرف، برای کسره زیر آن، برای ضمه بعد از آن و تنوین با دو نقطه مشخص می شد. اگرچه براساس روایات، ابوالاسود دؤلی (۶۹م) مبدع این نظام بود، اما ظاهراً قبل از پایان قرن نخست از این نظام استفاده نمی شد. در قرآن های عصراموی هم نقطه های قرمز وجود دارد، اما آیا همزمان با نگارش این مصاحف بوده است؟ دروش با توجه به تفاوت جوهر، رنگ و ابزار نوشتن نقطه ها با آنچه که برای نوشتن خط ساده به کار رفته، معتقد است که نقطه ها قطعاً بعدها اضافه شده اند و فاصله زمانی میان نوشتن متن و اضافه کردن نقطه ها را نمی توان به طور دقیق تعیین کرد. این نظام بعدها با افزودن نقطه های سبزی یا زرد برای همزه و نقطه های زرد، نارنجی یا آبی برای تشدید کامل شد، اما برای سکون به ندرت علامتی به کار می رفت. در مغرب نشانه های دیگری برای مشخص ساختن تلفظ صحیح تر به کار می رفت. این نظام تا پایان قرن چهارم رواج داشت و ظاهراً با توجه به یک قرآن یمنی تا قرن دهم هنوز استفاده می شد. در مغرب همچنین در نسخه های قرآنی به خط سودانی تا همین اواخر همزه با یک نقطه مشخص می شد.^{۲۴}

در ابتدای دوره نخست عباسی برخی از قرآن ها هنوز قالب عمودی داشت: خط های گروه BI می تواند شاخص نیمه اول قرن دوم باشد.^{۲۵} شواهدی بر تحول از مصاحف حجازی - که خط تا حدودی باریکش احتمالاً با آنها ارتباط دارد - به مصاحف دوره نخستین عباسی در این قرآن ها وجود دارد. دوشادوش این سنت که به تدریج رنگ می باخت، نوع دیگری خط سبتر شبیه آنچه در نسخه I. ۳۳ - ۲۰ دارالمخطوطات یافت می شود، خط تمام عیار قرآنی شد. این خط معمولاً با قالب مستطیلی همراه است. دروش معتقد است تحول از قالب عمودی به قالب مستطیلی نمی تواند صرفاً به دلایل زیبایی گرایی در انتخاب خط باشد. از نظری دو عامل که در منابع به آن اشاره ای نشده است در این تحولات نقش داشته است: نخست تمایل به اعطای هویت ظاهری کاملاً متفاوت از تورات (طوماری) یا اناجیل (مصاحف عمودی) به قرآن. دیگر بحث های تقریباً همزمان درباره کتابت حدیث. در این دوره شمار سطرهای هر صفحه بسیار قاعده مند شد. این تکامل ممکن است برای نظارت آسان تر بر متن بوده باشد.

کهن ترین نام های سوره ها که مقارن با کتابت خود متن اند در نسخه هایی یافت شده که احتمالاً مربوط به قرن دوم اند، اما این نسخه ها متداول نبودند؛ زیرا تا آن زمان سوره ها با یک فضای خالی یا تزئیناتی با طیفی از بسیار ساده و ابتدایی تا بسیار ماهرانه از هم جدا می شدند. نوار بالای سوره ها هنوز شکل خاص خود را نیافته بود: تزئیناتی نامنظم فضای مستطیلی آن خط را پرمی کرد. برخی دیگر هم در یک ساختار مستطیلی خارجی قرار گرفته اند. گاه نیز در هر دو گوشه نوار بالایی طرح هایی از گیاهان^{۲۶} وجود دارد.^{۲۷} خاستگاه این طرح ها را با کتیبه های دسته دار^{۲۸} روزگار باستان پیوند داده اند. اما از آنجا که نوار بالای سوره های اولیه بدون نوشته و عاری از تصویرند، در اینکه آیا می توان این تعبیر برگرفته از کتیبه ها را برای نسخه های خطی قرآن به کار برد تردید وجود دارد. نشانه های قبیطی پاراگراف ها نشان می دهد که کاتبان قرآن در آن دوره از سنت های دیگر هم آگاه بودند. به هر صورت نیاز به اطلاعات خیلی زود منجر به ورود نام سوره ها در قرآن ها شد که با توجه به نسخه های خطی در ابتدا یا انتهای سوره ها می آمد. در صورت اول با کلمه «فاتحه» و در صورت دوم با کلمه «خاتمه» همراه بود. البته هر دو صورت می توانست به شکل های مختلفی بسط یابد و حتی ترکیب شود. در قرن سوم آوردن نام سوره در ابتدای سوره بدون استفاده از کلمات کلیشه ای قاعده شد.

نویسنده مقاله درباره تفاوت سبکی که مسلمانان برای نوشتن قرآن انتخاب کردند با سبک کتاب های مقدس دیگر ادیان چنین می نویسد: «آنها برای کتاب مقدس خود قالب کتاب را انتخاب کردند؛ یعنی همان قالب مصحف و شروع به نوشتن متن در سطرهای طولانی کردند، در حالی که در دیگر ادیان صاحب کتاب خاورمیانه، متون در قالب ستون ها سامان می یافت. بیشتر مصاحف حجازی در قالب نامعمول آن زمان، یعنی عمودی است، جز شمار اندکی که در قالب مستطیلی است که بعدها قالب معمول مصاحف قرآنی در قرن دوم گردید.

۲۴. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe 576. متعلق به سال ۱۱۹۵.

۲۵. رک به: نسخه IOS C 20 در انستیتوی شرق شناسی سن پترزبورگ یا 331 BNF Arabe Bibliothèque nationale de France.

۲۶. vignette.

27. Forschungs-und Landesbibliothek, FLB Ms. orient A 462, ff. 6 b and 11 a

28. tabula ansats

کهن‌ترین نام‌های سوره‌ها که مقارن با کتابت خود متن‌اند در نسخه‌هایی یافت شده که احتمالاً مربوط به قرن دوم‌اند، اما این نسخه‌ها متداول نبودند؛ زیرا تا آن زمان سوره‌ها با یک فضای خالی یا تزئیناتی با طیفی از بسیار ساده و ابتدایی تا بسیار ماهرانه از هم جدا می‌شدند. نوار بالای سوره‌ها هنوز شکل خاص خود را نیافته بود: تزئیناتی نامنظم فضای مستطیلی آن خط را پرمی‌کرد. برخی دیگر هم در یک ساختار مستطیلی خارجی قرار گرفته‌اند. گاه نیز در هر دو گوشه نوار بالایی طرح‌هایی از گیاهان وجود دارد.

نام برخی از سوره‌ها در مصاحف مختلف با هم تفاوت دارند. شمار آیات معمولاً در کنار نام سوره می‌آید و پایان آیات معمولاً، اما نه همیشه، مشخص می‌شود. به‌ندرت نشانه‌های پایان آیات تزئینی، شماره آیات خاص را براساس حساب ابجد مشخص می‌کند و در بیشتر نسخه‌ها تنها دسته‌های پنج‌تایی و ده‌تایی آیات مشخص شده‌اند.

چشمگیرترین دستاورد این دوره مجموعه‌ای از قرآن‌های عظیم است^{۲۹} که احتمالاً تاریخ آنها به نیمه دوم قرن دوم می‌رسد. احتمالاً تلاش‌های پیشین مانند نسخه I. ۳۳-۲۰ دارالمخطوطات که پیش‌تر بدان اشاره شد، الهام‌بخش این مصاحف عظیم بوده است. ابعاد این نسخه‌ها تقریباً ۶۸ در ۵۳ سانتی‌متر است و در هر صفحه ۱۲ سطر وجود دارد. در یک مورد شمار سطرها اندکی بیش از دو برابر، یعنی ۲۵ سطر در یک صفحه است. بازسازی‌های مبتنی بر وضعیت نسخه‌های خطی، نشان می‌دهد این مصاحف بیش از ۶۰۰ ورق داشتند و هر یک از ورق‌ها از پوست یک حیوان تهیه شده بود و به‌رغم ضخامت ظاهراً این پوست‌ها به‌صورت قرآن‌های تک‌جلدی به هم وصل می‌شدند. این نسخه‌ها بسیار بزرگ‌تر از همه قرآن‌های کهن موجودند و تهیه آنها مستلزم سرمایه‌ای فوق‌العاده بود و به احتمال زیاد برای مساجد سفارش داده می‌شدند، اما با توجه به اندازه‌شان احتمالاً کارکردی غیر از قرائت و خواندن هم داشته‌اند. گفته شده که عمر بن خطاب قرآن‌های به خط کوچک را خوش نمی‌داشت و از دیدن نسخه‌های بزرگ شاد می‌شد. به‌رغم زمان پریشی^{۳۰} این خبر نشان می‌دهد که مسلمانان از سده‌های نخست نسخه‌های بزرگ را ترجیح می‌دادند. از آنجا که در قرائت‌های عمومی مانند قرائت‌های نماز جمعه، چنین نسخه‌های عظیمی لازم نیست، ممکن است برای اهداف سیاسی یا اثبات حقانیت کارآمد بوده باشند.

هیچ شاهد آشکاری بر وجود مجموعه‌های چندجلدی قرآن قبل از قرن سوم وجود ندارد، هرچند برای مثال در حاشیه برخی از نسخه‌های کهن اشاراتی به تقسیم‌های هفت‌گانه وجود دارد، اما از قرن سوم به بعد هم مخطوطات و هم متون همراهشان که عمدتاً سندهای وقف‌اند، نشان می‌دهد که مجموعه‌های چندجلدی متداول بود. در واقع برخی از خط‌ها مانند DI، پیوندی وثیق با این دست از قرآن‌ها دارند؛ زیرا با توجه به اندازه آنها، مصحف کامل دارای چنان ابعاد عظیمی می‌شد که صحافی کردن همه برگ‌ها در قالب یک کتاب غیرممکن بود. این امر منجر به پیدایش صندوق‌هایی برای نگهداری تمام مجلدات یک مجموعه در کنار هم شد. براساس سند وقف سال ۲۶۲ «قرآن آماجور»^{۳۱} دو جعبه برای نگهداری سی جزء لازم است.^{۳۲} هر صفحه از این نسخه فقط سه سطر دارد که نشان می‌دهد شمار کامل برگ‌ها به‌غایت زیاد بوده است. ظاهراً این قرآن‌های چندجلدی راه حلی ضروری برای تهیه نسخه‌هایی در این دوره بود که در نهایت به بزرگی قرآن‌های عظیم قرن دوم بود که پیش‌تر توضیح داده شد. معمولاً افراد ثروتمند آنها را برای مساجد سفارش می‌دادند. مصاحفی هم شناخته شده است که متعلق به اشخاص بوده و برخی از آنها براساس یادداشت‌های ثبت تولد یا مرگ افراد خانواده تاریخ‌گذاری شده‌اند. این مصاحف معمولاً تک‌جلدی‌اند و به خط‌های کوچک‌تر مثلاً BII نوشته شده‌اند.

همچنین طیف وسیع‌تری از تزئینات در قرآن‌های دوره نخست عباسی یافت می‌شود که به‌رحال ممکن است صرفاً به دلیل این واقعیت باشد که مدارک بیشتری از این دوره نسبت به دوره قبل باقی مانده است.

29. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe 324 and Forschungs-und Landesbibliothek, FLB Ms. orient A 462

بر اساس تاریخ‌گذاری یک صفحه با کربن ۱۴، تاریخ میان ۶۴۰ تا ۷۶۵ پیشنهاد شده است، اما تاریخ زودتر ظاهراً با داده‌های دیگر سازگارتر است.
30. anachronism

۳۱. مترجم: امیر سپاه ترک در دستگاه خلافت عباسی. درباره این قرآن رک به:

[The Geometry of the Qur'an of Amajur: A Preliminary Study of Proportion in Early Arabic Calligraphy

32. Déroche, Qur'an of Amāgūr, 61.

برخی از قرآن‌ها اصلاً هیچ تزئینی ندارند یا صرفاً حاوی نشانه‌های مختصر عناوین و تقسیمات به رنگ‌های قرمز، سبزی یا زردند، در حالی که در برخی دیگر از رنگ طلایی برای این منظور استفاده شده است. نفیس‌ترین نسخه‌ها ممکن است در ابتدا دو صفحه، به ندرت بیش از دو صفحه و بدون هرگونه نوشته داشته باشند و سرسوره‌هایی با نقش و نگارهایی در حاشیه و انواع مختلفی از نشانه‌های آیه یا دسته آیات. برخی از قرآن‌ها دو صفحه تزئینات هم در انتها دارند. قرآن‌های چند جلدی هم امکان تزئین در ابتدا و احتمالاً انتهای هر جلد را به دست می‌دادند.^{۳۳} از طلا برای تزئینات و همچنین برای نوشتن متن بسیار استفاده می‌شد. به رغم مخالفت عالمان مسلمان پیشین مانند مالک بن انس (م ۱۷۶) با استفاده از طلا برای این منظور، ظاهراً زرنگاری با اقبال مواجه شد. حتی اگر گزارش ابن ندیم (فهرست، ۹) از تهیه قرآنی به خط طلا برای عمر بن عبدالعزیز ساختگی باشد، «قرآن آبی» که نسخه‌ای مشهور از دوره عباسی است، تنها نمونه استفاده از طلا در نوشتن قرآن نیست. پیشرفت‌های دیگر مانند استفاده از چرم رنگ شده مانند آبی، زرد، صورتی و نارنجی نیز کاربرد داشت.

غیر از گزارشی که جهش‌یاری^{۳۴} درباره جلد نقره‌ای در دوره اموی ثبت کرده است، هیچ اطلاعی از جلد‌های نسخه‌های خطی قرآن تا قرن سوم نداریم. از آن دوره به بعد، مجموعه‌های مختلف، اما عمدتاً مجموعه‌های قیروان، جلد‌هایی با شکل مشخص دارند که بیشتر به جعبه شبیه‌اند تا جلد‌هایی که تا آن زمان شناخته شده است. صفحه‌های جلد از چوب ساخته و با چرم پوشیده شده‌اند و معمولاً دارای تزئیناتی است و نواری چرمی به صفحه پایانی وصل شده است تا قرآن را نگه دارد. وقتی که صفحه بالایی پایین بیاید و کتاب بسته شده باشد، یک تسمه وصل شده به بخش پایینی صفحه زیرین می‌تواند به یک گیره فلزی که از لبه صفحه بالایی بیرون آمده پیچانده شود. بدین ترتیب نسخه محکم بسته می‌شود. جلد‌های نسخه‌های خطی غیرقرآنی در این دوره تقریباً ناشناخته‌اند، بنابراین مقایسه غیرممکن است، اما گفته شده که جلد‌هایی که توصیف کردیم به طور خاص برای قرآن‌ها ساخته شده‌اند.

سده تغییر

در بخش چهارم مقاله دروش به پیشرفت‌های مختلف ظاهر مصاحف قرآنی در سده چهارم می‌پردازد. البته نشانه‌های برخی از این تغییرات در انتهای قرن سوم هم وجود داشت. نخستین تغییر مربوط به خط است: سبکی جدید و مرتبط با خط‌هایی که پیش‌تر در دست‌نوشته‌های غیرقرآنی و اسناد حکومتی کاربرد داشت و با اقبال زیادی مواجه شد، اما اندکی بعد با خط نسخ و خط‌های مرتبط با آن از دور خارج شد. این سبک جدید آخرین خطی است که در نسخه‌های خطی قرآن در سراسر جهان اسلام استفاده شده است. اگرچه تنوع‌هایی در تکنیک‌ها مشاهده می‌شود، اما این خط اساساً مبتنی بر زیبایی کاملاً متمایز و گنجه‌ای مشخص از شکل‌های حروف است. از نظر دروش نام‌هایی که به صورت‌های پیشرفته‌ترین خط داده شده است، مانند کوفی پارسی، کوفی شرقی، رهن است و نام قبلی، یعنی نسخ کوفی، توصیف بهتری است؛ زیرا صورت‌های اصلی به خط به اصطلاح شکسته نزدیک‌ترند. کهن‌ترین قرآن به این خط مجموعه‌ای چند جلدی^{۳۵} است که قبل از سال ۲۹۲ احتمالاً در منطقه‌ای پارسی‌زبان برپوست نگاشته شده است. غیر از خط قالب عمودی این قرآن هم نشان‌دهنده تغییرات دهه‌های بعد است. با این همه سبک جدید در نسخه‌های با قالب مستطیلی هم استفاده می‌شد؛ مانند قرآن‌های برپوست نوشته شده در

غیر از گزارشی که جهش‌یاری درباره جلد نقره‌ای در دوره اموی ثبت کرده است، هیچ اطلاعی از جلد‌های نسخه‌های خطی قرآن تا قرن سوم نداریم. از آن دوره به بعد، مجموعه‌های مختلف، اما عمدتاً مجموعه‌های قیروان، جلد‌هایی با شکل مشخص دارند که بیشتر به جعبه شبیه‌اند تا جلد‌هایی که تا آن زمان شناخته شده است.

۳۳. رک به: موزه توفیایی ساری، TKS EH 16.

۳۴. کتاب الوزراء، ۲۶.

۳۵. کتابخانه چسترینی 1431، CBL.

پالموبه سال ۳۷۲^{۳۶} یا بر کاغذ نوشته شده در اصفهان به سال ۳۸۳، ۳۷

دومین تحول عمده در این دوره ورود کاغذ است که به تدریج، دست‌کم در شرق، جایگزین پوست شد. کهن‌ترین قرآن قابل تاریخ‌گذاری که بر کاغذ نوشته شده در پایان نیمه اول قرن چهارم به اتمام رسیده است؛ یعنی تقریباً یک قرن بعد از قدیمی‌ترین نسخه عربی غیرقرآنی کاغذی. استفاده فزاینده از کاغذ ظاهر مصاحف را نیز تغییر داد.

دروش قابلیت‌های نقاشی خط (کالی‌گرافی) این سبک جدید را علت استفاده از آن در دوره‌ای نسبتاً طولانی می‌داند، در حالی که متأخرترین قرآن به خط دوره نخست عباسی از سرزمین‌های مرکزی اسلامی - بنا بر اطلاعات فعلی ما - در سال ۳۶۲ نگاشته شده و نوشتن متأخرترین نسخه قرآنی به سبک جدید در سال ۶۲۰ پایان یافته است.^{۳۸} البته وجود نسخه‌های متأخر نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا این سبک میان تذهیب‌کاران محبوب باقی ماند و در برخی موارد، مثلاً برای نام سوره‌ها، استفاده می‌شد. حتی گلچینی مختصر از قرآن به گونه‌ای بسیار تزئینی از این خط در سال ۹۰۹ نوشته شده است.^{۳۹}

یکی از پیشرفت‌های مهم در قرن چهارم استفاده از خط‌های به اصطلاح شکسته که معمولاً نسخ نامیده می‌شود، به مثابه خطی قرآنی است. قدیمی‌ترین نمونه کاربرد خط‌های مرتبط با خط نسخ برای یک قرآن، مربوط به شمال بین‌النهرین یا شمال سوریه است که در سال ۳۸۷ تاریخ‌گذاری شده است. مدتی بعد و در همان قرن پوست‌نوشته‌ای در قالب مستطیلی حاوی سوره‌های پایانی به دستی که بی‌تردید مغربی است، یک پایان‌نوشت دارد که نشان می‌دهد کتابت‌ش در ماه رجب سال ۳۹۸ پایان یافته است. دروش استفاده از خط نسخ را نشان‌دهنده تمایل فزاینده به خواناساختن مصاحف قرآنی برای مردم عادی و پرکردن شکاف میان خط مصاحف قرآنی و خطی که در امور روزمره استفاده می‌شد می‌داند. این شکاف در نیمه دوم قرن نخست آغاز شده بود، اما به تدریج از میان رفت. از نظر دروش آن پوست‌نوشته مغربی همچنین سندی است بر پیدایش شکافی میان بخش‌های شرقی و غربی جهان اسلام که در خط مغربی نمود می‌یابد. این خط مشخصه نسخه‌های خطی بود که در مغرب و اسپانیای مسلمان نوشته می‌شد. جالب این است که قدیمی‌ترین برگ‌نوشته‌های مغربی نشان‌دهنده اهمیت دادن زیاد به جنبه‌های ظاهری سنت مصاحف قرآنی است، یعنی قالب مستطیلی و پوست. آنچنان‌که از تهیه قرآن‌هایی به «سبک جدید» در دوره‌ای طولانی، اما در شماری اندک مشهود است، انتقال به خط‌های «جدید» به هیچ وجه سریع نبود. دروش تصریح می‌کند که برای بررسی استفاده احتمالی از خط دوره عباسی نخست در مغرب پس از پایان قرن چهارم، پژوهش‌های بیشتری لازم است. اگر چه خط نقاشی نگاران (کالی‌گراف‌یست‌ها) دوره نخست عباسی که در خط‌های کوچک مهارت داشتند، موفق به کاهش شمار صفحات و اندازه قرآن‌ها شدند، اما کهن‌ترین دست‌نوشته‌های به خط نسخ^{۴۰} حتی فشرده‌تر هم شدند. دروش معتقد است احتمالاً دلیل موفقیت این نسخه‌ها همین فشردگی بوده است که در نتیجه موجب ارزانی هم می‌شد.

دروش به نظام مصوت‌های مصاحف دوره نخست عباسی هم می‌پردازد. شکوفایی نحو منجر به پایه‌گذاری نظامی بسیار دقیق برای ثبت تلفظ درست قرآن شد. نظام جدید مصوت‌ها در قرآن سال ۲۹۲ به کار رفته است، اما چون نظام قدیم نقطه‌های قرمز هم در این نسخه وجود دارد، به احتمال زیاد مصوت‌های جدید بعدها اضافه شده‌اند. از سوی دیگر «قرآن پالموبه» به طور کامل نشانه‌گذاری شده است: هم نشانه‌های مصوت‌ها و هم نشانه‌های تلفظ درست در آن مشخص شده است. نظام جدید مصوت‌ها و نشانه‌های نقطه در قرن چهارم به کار گرفته شد. در این دوره نشانه‌های جدید برای سکون و تشدید که هر دو رنگی بودند همراه با نقطه‌های قرمز تلفظ وجود داشتند. کاتب «قرآن دایه»^{۴۱} قیروان در سال ۴۱۰ مصوت‌های

36. Nuruosmaniye Library 23.

37. Türk İslâm Eserleri Müzesi, TIEM 453-6.

۳۸. مشهد، آستان قدس، ۸۴.

۳۹. موزه تویقایی سارای استانبول، 18. TKSR.

۴۰. برای مثال کتابخانه بریتانیا؛ 7214؛ BL Add.

41. Nurse's Qurān

تئین کامل یک صفحه به کار رود. به نظر می‌رسد این صرفاً چرخشی ۹۰ درجه‌ای در ترکیب موجود، به دلیل تغییر نسبت طول و عرض نبود، بلکه احتمالاً تغییر قلمروی تذهیب باعث شد که ترکیب‌های مبتنی بر یک دایره مرکزی یا مبتنی بر تکرار طرح‌های کوچک برای پرکردن صفحه، روزه‌روز رواج بیشتری یابد.

تحول دیگر ورود متن به صفحه‌های تئین‌شده آغازین بود. کهن‌ترین نمونه به طور قطع تاریخ‌گذاری نشده است (شاید انتهای قرن سوم)، اما در دو صفحه آغازین شمار اندکی از نسخه‌های دارای تاریخ قرن چهارم اطلاعاتی درباره شمار سوره‌ها، آیات، واژگان و حروف قرآن آمده است.

برخی نسخه‌ها سندی بر ادامه روند فراهم آوردن قرآن‌های عظیم در این دوره است. مجموعه‌های چند جلدی همچنان کاملاً رواج داشت. قرآن اصفهان چهار جلدی و قرآن شماره ۸۹ در گنجینه هنر اسلامی ناصر دود خلیلی که احتمالاً اندکی متأخرتر است، در اصل هفت جلدی بوده و بسیاری دیگر از قرآن‌ها سی جلدی بوده‌اند. اندازه همه این قرآن‌ها، به ویژه قرآن‌های سی جلدی، کوچک است، اما «قرآن دایه» حاکی از تهیه قرآن‌هایی در اندازه‌های بزرگ در غرب جهان اسلام است. در سال ۴۱۰ کاتبی ناشناس به نام علی بن احمد، سی جزء از این قرآن را در قیروان نگاشت: نشانه مصوت‌ها، تئینات و مجلدساختن را هم او به عهده داشت. ۵۵۲ صفحه از این اثر باقی مانده است. اندازه صفحات ۲۹ در ۴۵ سانتی متر است و هر صفحه تنها پنج سطر دارد. این مجموعه در صندوقی بسیار بزرگ نگهداری می‌شود و حاوی تقدیم‌نامه‌ای است که در آن آمده که فاطمه، دایه معزین بادیس، از خلفای زیریه^{۴۴} این قرآن را به مسجد اهدا کرده است.

به سوی مصاحف قرآنی جدید

بخش بعدی مقاله به مصاحف قرآنی جدید اختصاص دارد. دروش می‌نویسد در سده‌های بعد و تا به امروز قرآن‌ها به طیف گسترده‌ای از خط‌های موسوم به شکسته نوشته شده‌اند که برخی از آنها مانند نستعلیق تنها در موارد استثنائی به کار رفته‌اند.^{۴۵} چندین سبک بیشتر برای نوشتن مصاحف به کار رفته است تا مکتوبات دیگر. اگرچه کاتبان، سایر متون را هم به این سبک‌ها می‌نوشتند، اما تعبیر «خط‌های قرآنی» برای این سبک‌ها همچنان اعتبار خود را حفظ کرده است. در سرزمین‌های اسلامی مرکزی،

جدید و نشانه‌های نقط را رنگی نوشته است: بر اساس سند گزارش کاری، نشانه‌های آوایی این نسخه را او نهاده است. شخصی به نام عثمان بن حسین وراق که یک مجموعه قرآن سی جلدی^{۴۲} را در سال ۴۶۶، احتمالاً در شرق ایران، کامل کرده نوشته است که مصوت‌ها و نشانه‌های نقط را با جوهر رنگی به متن افزوده است. در نقطه مقابل این شیوه، شیوه قرآن مشهور این بواب متعلق به سال ۳۹۱^{۴۳} و نسخه خطی متعلق به سال ۳۸۷ قرار دارد که مصوت‌ها و نشانه‌های نقط در آنها به همان رنگ جوهر متن نوشته شده است. در غرب جهان اسلام، آن چنان که در ادامه نشان خواهیم داد، مسیری متفاوت پیموده شد.

دومین تحول عمده در این دوره ورود کاغذ است که به تدریج، دست‌کم در شرق، جایگزین پوست شد. کهن‌ترین قرآن قابل تاریخ‌گذاری که بر کاغذ نوشته شده در پایان نیمه اول قرن چهارم به اتمام رسیده است؛ یعنی تقریباً یک قرن بعد از قدیمی‌ترین نسخه عربی غیرقرآنی کاغذی. استفاده فزاینده از کاغذ ظاهر مصاحف را نیز تغییر داد.

سومین تحول که احتمالاً در پیوند با دومی است، در ارتباط با قالب متن است: بازگشت به قالب عمودی در این دوره مشاهده می‌شود. با این حال آن چنان که در قرآن اصفهان دیده می‌شود، ممکن بود قرآن‌های کاغذی در قالب مستطیلی هم تهیه شوند و بدین ترتیب چنین القا کنند که این قالب با مواد جدید متناسب‌تر است. همه این تحولات با هم پیش نیامد. با اینکه به گونه‌ای با هم در پیوندند و به یک‌باره هم با پذیرش عمومی مواجه نشدند. مسائل اقتصادی هم باید در نظر گرفته می‌شد. کاغذ از چرم ارزان‌تر بود، اگرچه دقیقاً نمی‌دانیم تا چه اندازه. آیا کتاب اگرچه همچنان کالایی لوکس بود، اما مردم بیشتری توان خرید آن را پیدا کرده بودند و در نتیجه باید آهنگ تولید شتاب بیشتری می‌گرفت؟ دوره برای پاسخ به نیاز به نسخه‌های خطی بیشتر وجود داشت: نخست افزایش سرعت کاتبان و دیگر افزایش شمار کاتبان. در نهایت پرسش دیگری پیش می‌آید: آیا به دلیل اینکه نوشتن سبک جدید آسان‌تر بود، خوانندگان راحت‌تر می‌توانستند آن را بخوانند و سرعت کاتبان هم بیشتر شده بود؟

قالب مستطیلی مصاحف باعث شد قالب‌های جدیدی برای

بر اساس تقدیم‌نامه موجود فاطمه، دایه معزین بادیس، از خلفای زیریه، این قرآن را به مسجد اهدا کرده است.

۴۲. مشهد، آستان قدس، ۴۳۱۶.

۴۳. کتابخانه چسترییتی CBL 1431.

۴۴. زیریه یا زیریون سلسله‌ای بودند که از ۹۷۳ تا ۱۱۴۸ میلادی بر افریقه مغرب حکومت

می‌کردند. آنها در ابتدا نماینده فاطمیون بودند، اما در سال ۱۰۴۸ استقلال یافتند.

۴۵. موزه توفیایی ساری، TKS HS 25 که به سال ۹۴۵ تاریخ‌گذاری شده است.

خط‌های کوچک‌تر نوشته شده با جوهر مشکی را چون قابی در برمی‌گیرد. سطرهای بزرگ‌تر که معمولاً با جوهر سفید، آبی، قرمز یا طلایی نوشته می‌شد، تقابلی شدید با بقیه متن دارد. این نوع صفحه‌آرایی در قرآن‌های چینی هم دیده می‌شود، اما تفاوت میان سطرها نامحسوس است: هم از نظر اندازه و هم از نظر رنگ؛ چون در تمام صفحه از جوهر سیاه استفاده شده است. از قرن یازدهم تا کنون صفحه‌آرایی نسخه‌های خطی قرآن هندی شبیه به قرآن‌های عهد صفوی در ایران است: بخش مکتوب که با قابی طلایی مرزبندی شده به نوارهایی هم‌اندازه تقسیم می‌شود که متن درون آنها نوشته می‌شود. این نوارها با نوارهای کوچک‌تر دیگری از هم جدا می‌شوند که می‌توانند حاوی ترجمه باشند. قاب دومی دقیقاً نزدیک به کناره‌های صفحه و بزرگ‌تر از قاب نخست فضایی را مشخص می‌کند که متن را احاطه کرده است و ممکن است خالی باشد، البته به استثنای نشانه‌های دسته‌های آیات یا دیگر نشانه‌های از این دست یا حاوی تفسیری بر قرآن.

خلاصه‌کردن اصول تزئینات قرآنی بسیار دشوار است؛ مدارک در دسترس بسیار زیاد و دارای تنوع فراوان است. بنابراین آنچه در پی می‌آید را می‌توان «اصول کلی» نامید. اصلی که همواره و تا کنون به شدت رعایت شده این است که نسخه‌های خطی قرآنی هرگز تصویربرداری نشده‌اند. تنها نمونه چاپ شده از یک نسخه حاوی تصویر^{۴۵} جعلی است. اگرچه آثار اساتید تذهیب که در گران‌بهارترین نسخه‌های خطی یافت می‌شود در پژوهش‌های علمی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، باید به خاطر داشت که بسیاری از قرآن‌ها دارای نوعی تزئین بودند، حتی اگر صرفاً در حد یک قاب عنوان برای ابتدای متن بوده باشند. مفهوم جفت صفحه در نسخه‌های خطی قرآن به‌ویژه در تزئینات آنها نقش مهمی را ایفا می‌کرد. هنرمندان تلاش می‌کردند نوعی هماهنگی در ترکیب ایجاد کنند و بر تقسیم ظاهری دو صفحه فائق آیند و نوعی یکپارچگی فراگیر را نشان دهند. تزئینات با هر کیفیتی کمابیش همان نقش و جایگاهی را داشت که در سده‌های نخست به تدریج بر آن توافق شده بود: نخستین کارکرد تزئینات نشان دادن آغاز یا پایان بخشی از متن است که می‌توانست آغاز نسخه خطی باشد. از آنجا که این قرآن‌ها هیچ صفحه‌عنوانی نداشتند، تزئینات به مثابه نشانه‌ای است که اشاره به نام کتاب دارد، حال یا به تنهایی یا به کمک عبارتی قرآنی. آیات ۷۷-۷۸ سوره واقعه برای این منظور بسیار مناسب بود: «این قرآنی کریم در کتابی مکنون است

نسخه‌های نفیس‌تر بیشتر به خط‌هایی نوشته می‌شود که در منابع خط‌نگاری نسخ (نیز نسخی)، محقق، ریحانی (نیز ریحان) و نث (نیز نث) نامیده می‌شوند. گونه‌های مختلف منطقه‌ای خط در سایر سرزمین‌ها نیز پدیدار شد. برای مثال در هند خط بحاری در اواخر قرن هشتم و قرن نهم استفاده می‌شد. این امکان هم وجود داشت که سبک‌های کلاسیک دستخوش اصلاحات منطقه‌ای شوند: خط مخصوص قرآن‌های چینی قرن نهم را شکل خاصی از محقق توصیف کرده‌اند که برخاسته از انواع ایرانی پیشین است: در ساحل شرقی آفریقا هم که تأثیر هند احساس می‌شود، از خط بحاری تقلید شده است،^{۴۶} معمولاً از ابتدا تا انتهای یک نسخه به یک خط خاص نوشته می‌شد. این نکته در مورد نسخه‌هایی که سطرهای متناوب به دو یا سه سبک مختلف نوشته شده‌اند هم صادق است. در برخی موارد واژه «الله» یا حتی برخی جمله‌ها برجسته شده‌اند؛ یعنی یا با حروف بزرگ‌تر نوشته شده‌اند یا با جوهری متفاوت از متن اصلی.^{۴۷} برخی نسخه‌های دیگر شگفت‌انگیزترند: در برخی فقط نام‌های «احمد» (صف: ۶) و «محمد» (فتح: ۲۹) به حروف بزرگ‌تر نوشته شده است.^{۴۸} دروش حدس می‌زند که این ویژگی‌ها می‌تواند در ارتباط با صورت‌های خاص رفتار دینی باشد که البته هنوز نیازمند بررسی است.

کاتبان و حامیان، صفحه‌آرایی را شیوه‌ای برای بهبود ظاهر متن می‌دانستند. در آغاز عصر ما ظاهراً همه قرآن‌ها در سطرهای طولانی با ارتفاع و طول یکسان نوشته شده‌اند. بعدها کاتبان احتمالاً با تأثیرپذیری از سنت ثبت اسناد در مدارک حج، مربوط به دوره سلجوقی که در دمشق یافت شده است، شروع به بازی کردن با هر دو عنصر کردند. کهن‌ترین نمونه بازنگری در صفحه‌آرایی نسخه CBL 1438 در کتابخانه چستربیتی است که به سال ۵۸۲ تاریخ‌گذاری شده است. در برخی از قرآن‌های به خط حجازی، کاتبان دو اندازه خط را در کنار هم استفاده کرده‌اند. اندازه بزرگ‌تر را برای اولین و آخرین سطر و اندازه کوچک‌تر را برای بقیه متن.^{۴۹} در نسخه‌های متأخرتر برای ایجاد حالتی پیچیده‌تر در کل صفحه، از جوهرهایی با رنگ‌های مختلف استفاده شده است. در سرزمین‌های فارسی‌زبان و همچنین ترکیه، شبکه‌ای پیچیده رواج یافت که در آن معمولاً سه سطر بزرگ‌تر، دو گروه از

۴۶. گنجینه هنر اسلامی ناصر دود خلیلی، قرآن شماره ۷۰۶ به تاریخ ۱۱۶۲.

۴۷. برای نمونه رک به 773-760 UL, John Rylands University Library.

48. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe413.

و موزه هنر متروپولیتن 1940 MMA Rogers Fund

۴۹. کتابخانه دانشگاه لیدن، بخش شرق‌شناسی 1820. Or. به تاریخ ۸۱۱.

50.R. Gottheil, An Illustrated copy of the Koran, in *REI* 5 (1931), 21-24.

که جز پاکان بدان دست نیابند». پس از صفحه‌های آغازین تزئینات در جاهای مختلف ظاهر می‌شوند: درون متن، تقسیم آیات یا دسته‌های آیات و همچنین نام سوره‌ها را مشخص می‌کند، اما در حاشیه نشانه‌های دسته‌های آیات اند و نیز تقسیمات متن به بخش‌های مساوی، سجده و نقش‌ونگارهای مربوط به نام سوره‌ها. ابتدا و انتهای متن هم ممکن است با یک قاب تزئینی مشخص شود: برای آغاز قرآن‌های تک‌جلدی اصلی‌ترین گزینه این بود که سوره نخست، یعنی فاتحه، در یک جفت صفحه آورده شود و نخستین آیات سوره دوم در صفحه بعد یا اینکه در همان یک جفت صفحه، فاتحه روبروی آیات نخستین سوره دوم آورده می‌شد. در برخی از قرآن‌های چندجلدی، سوره فاتحه در ابتدای هر جزء آورده شده است. سوره‌های پایانی هم گاه در یک قاب قرار گرفته‌اند. در برخی از قرآن‌ها صفحه‌های مزین اضافی و یک دعا و یا یک شیوه‌نامه تفأل وجود دارد. در برخی از قرآن‌های چندجلدی در صفحه مزین آغازین شماره آن مجلد در میان مجموعه آمده است و در پایان هم تزئینی به همراه آیه ۲۶ سوره مطففین.

گنجینه تزئینات به ارث رسیده از دوره‌های قبل، عمدتاً مبتنی بر اشکال هندسی یا گیاهان است. تزئینات تا قرن نهم ساختاری هندسی داشت، اما از آن پس تزئیناتی در صورت‌های آزادانه‌تر ارائه شد. این جهت‌گیری‌های گسترده در بخش‌های مختلف جهان اسلام به شیوه‌های گوناگون تعبیر شده که در مطالعات تزئینات قرآنی که معمولاً مدارک را براساس دوره و منطقه ارائه می‌کند، بازتاب یافته است. این تقسیم‌بندی‌ها در تعیین خاستگاه یک قرآن تعیین‌کننده است. دروش تصریح می‌کند که باید در نظر داشت که برخی از مناطق هنوز به اندازه کافی بررسی نشده‌اند یا دشواری‌های مختلفی وجود دارد. برای نمونه هند به دلیل وجود مراکز متعدد تهیه قرآن با جهت‌گیری‌های محلی و همچنین پیوند دیرینه با افغانستان یا ایران ممکن است باعث سردرگمی پژوهشگران شده و آنها غالباً - دست‌کم در حال حاضر - نمی‌توانند قرآن‌های نوشته‌شده در هند را از سایر قرآن‌های برآمده از شمال تشخیص دهند. مطالعه تزئینات قرآن‌های چین و اندونزی تازه شروع شده است. اگرچه این قرآن‌ها به طور کلی ویژگی‌های متمایزی دارند، اما باید به خاطر داشت که برخی از دوره‌ها نکاویده باقی مانده است.

کهن‌ترین جلدهای قرآن باقی‌مانده، ظاهراً برای تمایز قرآن از هر دست نوشته دیگری بوده است. زمان پایان یافتن این روند مشخص نیست. جلدهای قرن پنجم نشان می‌دهد که قرآن‌های آن دوران مانند سایر نسخه‌های خطی جلد می‌شدند، اما باید راه‌های دیگری برای شناسایی آسان کتاب مقدس اسلام می‌یافتند. براساس گزارش نویسندگانی چون علموی (۹۸۱م) بنا به آداب مربوط به نگهداری کتاب‌ها پیشنهاد می‌شد که قرآن‌ها باید در بالای قفسه‌ها گذاشته شوند، اما این کار احتمالاً کافی نبود (در سده‌های میانی کتاب‌ها به شکل افقی نگهداری می‌شد)، از این رو شیوه استفاده از عبارت‌های قرآنی به جای عنوان روی جلد به وجود آمد. احتمالاً اصلی‌ترین محل این عبارت زبانه‌ای در لبه جلویی جلد بود. چاپ یک متن بر روی جلد امری کاملاً بی سابقه نبود؛ زیرا بر صفحه برخی از جلدهای کهن نوشته‌هایی مانند عبارت‌هایی چون «المُلک لله» وجود دارد. در جلدهای متأخرتر مجموعه‌های چندجلدی هم شماره هر جلد روی لبه گوشه جلویی آورده می‌شد. شاهی بر روش اخیر، قرآنی ده جلدی است که عمر المرتضی در سال ۶۵۴ در مراکش به اتمام رسانده است.^{۵۱} کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد آیات قرآن بر روی جلد در جلدهای مملوکی^{۵۲} دیده می‌شود. حک کردن متن بر روی جلد با پیشرفت تکنیک‌های جلدسازی که به استفاده از کلیشه در روند کپی کردن انجامید آسان‌تر شد. در جلدهای متأخرتر روال معمول نوشتن آیه ۷۷ سوره واقعه بر لبه گوشه جلویی بود و استفاده از آیه ۱۱۵ سوره انعام بسیار غیرعادی بود. روی صفحه

از پوست حیوانات (بیشتر گوسفند و بز) به عنوان مواد خام برای تهیه چرم استفاده می‌شد. اندازه هر ورق وابسته به اندازه حیوانی بود که استفاده می‌شد. تکنولوژی کاغذ امکان تولید ورق‌های بزرگ‌تر را فراهم آورد. تهیه قرآن‌های بسیار بزرگ، هم قرآن‌های تک‌جلدی و هم چندجلدی با بهره‌گیری از این تکنیک در سده‌های هفتم و هشتم رونق یافت: «قرآن الجایتو» در سی جزء، در هر صفحه به ابعاد ۷۲ در ۵۰ سانتی‌متر فقط پنج سطر داشت و ابعاد صفحه‌های «قرآن مشهور بایسنقر» ۱۷۷ در ۱۰۰ سانتی‌متر بود.

۵۱. رک به: موزة بریتیش، 13192، BL Or.

۵۲. سلسله فرماندهان ترک که در سال‌های ۱۲۵۰-۱۵۱۷ بر شام و مصر فرمانروایی کردند.

آمده است. همچنین اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره هر سوره ثبت شده است: برای نمونه شمارش های مختلف آیات و ترتیب نسبی آنها در نزول وحی. ممکن است این اطلاعات به همراه نام سوره ها که احتمالاً در آثار تفسیری آن دوره وجود داشته است، در قرن پنجم به مخطوطات قرآنی راه یافته باشد. تا آنجا که می دانیم قرآن هایی با قرائت های جایگزین در قرن ششم فراهم آمد. قرآن شماره ۵۷۲ در گنجینه هنرهای اسلامی ناصر داود خلیلی که در سال ۵۸۲ نگاشته شده است، دارای نشانه هایی به رنگ قرمز در متن و یادداشت هایی در حاشیه است که اطلاعاتی را درباره قرائت صحیح متن و اختلافات آن به دست می دهد. در پایان این نسخه، پس از متن قرآن مجموعه ای از رساله های کوتاه در موضوعاتی مانند تلاوت قرآن، قرائات صحیح (در اینجا ده قرائت) و نیز اختلاف در شمارش آیات در مکاتب مختلف یا ترتیب تاریخی وحی آمده است. این سنت قرآن های «علمی» که احتمالاً برای اهداف آموزشی استفاده می شد یا به مثابه یادداشتی برای عالمان بود، چندین سده باقی ماند. نسخه شماره ۴۴۸ به تاریخ ۹۷۹ که حاوی چنین اطلاعاتی است، از این امر حکایت دارد.^{۵۸}

قرآن های دارای ترجمه بین سطری احتمالاً برای مخاطبانی یکسان نبوده اند. ارزیابی تاریخ مقدمه های ترجمه های بین سطری دشوار است: گاه اطمینان یافتن از هم زمانی متن قرآن و ترجمه دشوار است؛ زیرا دومی ممکن است افزوده ای متأخر باشد. در بیشتر - اما نه همه - صفحه آرایی است که جایی برای ترجمه زیر سطری باقی بماند. از کهن ترین نسخه های این گروه، یکی نسخه شماره ۴۶۴ موزه آستان قدس در مشهد است که تاریخ آن ۵۸۴ و حاوی ترجمه به فارسی است و دیگری نسخه شماره ۷۳ در موزه ترک اسلام از زلری ترکیه که تاریخ آن ۷۳۴ و حاوی ترجمه به ترکی خاص است. در اینجا باید به قرآن های دارای تفسیر در حاشیه هم اشاره کنیم: این قرآن ها لزوماً برای عالمان نبوده اند و اغلب حاوی ترجمه های بین سطری اند (معمولاً زیر سطر و به ندرت بالای سطر). بیشتر آنها در ایران و هند پس از قرن دهم نوشته شده اند و تفسیر فارسی بر اساس یک صفحه آرایی به دقت طراحی شده، در حاشیه نوشته شده است. قرآن های نوشته شده به خط بحاری در هند در قرن نهم که تفاسیری در حاشیه آنها به شیوه ای نه تا آن اندازه دقیق نوشته شده است، از نخستین نمونه های ورود چنان متونی به نسخه های خطی قرآن است.^{۵۹} تفاسیر اضافه شده به یک قرآن

جلد فضای بیشتری برای متن های مبسوط وجود داشت: دورادور صفحه می توانست مجموعه ای از کارتوش ها^{۵۳} قرار گیرد که یا حاوی آیات قرآن بودند^{۵۴} یا حدیث.^{۵۵} ممکن بود آیتی (آیه الکرسی، بقره: ۲۵۵ و احزاب: ۵۶) در بخش داخلی صفحه جلد آورده شود.^{۵۶} استفاده از فلزات و سنگ های گران بها هم ادامه یافت. نمونه های قدیمی ظاهراً باقی نمانده اند، اما جلد های عثمانی کاملاً مشهورند.^{۵۷}

از پوست حیوانات (بیشتر گوسفند و بز) به عنوان مواد خام برای تهیه چرم استفاده می شد. اندازه هر ورق وابسته به اندازه حیوانی بود که استفاده می شد. تکنولوژی کاغذ امکان تولید ورق های بزرگ تر را فراهم آورد. تهیه قرآن های بسیار بزرگ، هم قرآن های تک جلدی و هم چند جلدی با بهره گیری از این تکنیک در سده های هفتم و هشتم رونق یافت: «قرآن الجایتو» در سی جزء، در هر صفحه به ابعاد ۷۲ در ۵۰ سانتی متر فقط پنج سطر داشت و ابعاد صفحه های «قرآن مشهور بایسنقر» ۱۷۷ در ۱۰۰ سانتی متر بود. قاضی احمد درباره مورد اخیر گزارشی را ثبت کرده است مبنی بر اینکه تیمور نگارش یک قرآن بسیار کوچک (مینیاتوری) به دست یک نقاش خط نگار (کالی گراف) را خرد شمرده بود. چند ماه بعد همان کاتب با قرآنی چنان عظیم برگشت که باید با اربابه حمل می شد. حامیان ثروتمند در مصر مملوکی شماری از قرآن های تک جلدی بسیار بزرگ را که معمولاً طول آنها ۱۰۰ سانتی متر یا بیشتر است برای مساجد سفارش دادند. کاربرد نسخه های خطی قرآنی چند جلدی بهتر مستند شده است: قرآن های تهیه شده برای سلاطین و امیران بخشی از میثاق وقف مدارک دینی بود که در قاهره بنا نهاده بودند. متون این مدارک فقهی نشان می دهد که قاریانی برای تلاوت روزانه هر جزء گمارده شده بودند و مسئول نسخه های خطی جزء ها را در میان قاریان توزیع می کرد. در میان پیش بینی های رشیدالدین برای آرامگاهش در تبریز، قرائت قرآن توسط سه نفر هم دیده می شود. از قرن چهارم برخی از مخطوطات حاوی «اطلاعاتی علمی» درباره خود متن است. پیش تر چنین اطلاعاتی، محدود به نام سوره و احتمالاً شماره آیات هر سوره بود. در این دوره در تزئینات دو صفحه ای اطلاعاتی کلی درباره متن و اجزای مختلف آن (سوره ها، آیات، کلمات، حروف و غیره)

۵۳. cartouches یک بیضی با خطی افقی در پایین آن

۵۴. بقره: ۲۵۵، واقعه: ۷۷-۸۰، هر دورا می توان در نسخه CBL 1545، کتابخانه چستریتی دید.

۵۵. Türk İslâm Eserleri Müzesi, TIEM423.

۵۶. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe418.

۵۷. موزه توفیایی ساری، TKS Inv. 2/2121.

۵۸. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe448.

۵۹. رک به: مرکز ملک فیصل، ۲۸۲۵.

شیوه قرآن‌های اولیه، به رنگ قرمز باقی ماندند. در کهن‌ترین نسخه‌های مغربی هنوز از نقطه استفاده می‌شد، اما در قرن پنجم استفاده از نشانه‌های جدید معمول شد. در دوره‌ای طولانی از نقطه‌های زرد برای همزه^{۶۴} و گاهی هم از نقطه‌های سبز برای وصل استفاده می‌شد. سایر نشانه‌های تلفظ در شکل‌های جدیدشان به رنگ آبی بودند (و گاهی به رنگ قرمز).

در دوره‌ای طولانی تزئینات بر اساس طرح‌هایی که برخی از آنها در قرن چهارم کاربرد داشتند صورت می‌گرفت. اشکال هندسی نقش عمده‌ای در صفحه‌های کاملاً مزین ایفا می‌کرد و نوشته‌ها به ندرت در صفحه‌های مزین آغازین وارد می‌شد.^{۶۵} گاهی در پایان متن قرآن یک صفحه مزین شامل یک دعا یا پایان‌نوشت درون یک قاب و با خطی کاملاً متفاوت با متن قرآن آمده است.^{۶۶} از طلا و نقره هم در نوشتن متن استفاده می‌شد. در یک نسخه چند ورق که نمونه‌ای عالی از تذهیب مغربی است وجود دارد.^{۶۷} یک قرآن پنج جلدی هم با جوهر نقره‌ای بر کاغذ بنفش رنگ نوشته شده است.^{۶۸} تولید کاغذهای رنگی برای نسخه‌های خطی قرآن مدتی ادامه یافت و شاهد آن وجود نسخه‌هایی با کاغذهای آبی و سبزا است.^{۶۹} «قرآن دابه» که پیش‌تر بدان اشاره شد با دو نسخه‌ای که اکنون در استانبول اند (با ابعاد ۵۲ در ۵۵ سانتی‌متر)، نشان می‌دهد سنت تهیه قرآن‌های عظیم در غرب جهان اسلام زنده بود.^{۷۰} برگ باقی مانده از این دو نسخه با هفت سطر در هر صفحه (هر سطر تقریباً ۶/۵ سانتی‌متر است) و تزئینات فراوان نام سوره‌ها نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری هنگفتی است که برای انجام این کار صورت گرفته است.

نسخه‌های خطی قرآن به خط سودانی متعلق به نیمه دوم قرن یازدهم به بعد اخیراً شناسایی شده‌اند. خط سودانی شبیه خط مغربی و بسیار پایبند سنت قدیم است. مصوت‌ها اغلب به رنگ قرمز است و همزه با نقطه‌ای به رنگ زرد مشخص می‌شود. تزئینات معمولاً اشکال هندسی است و ظاهراً صرفاً بر رنگ‌ها تکیه دارد و تاکنون استفاده از طلا گزارش نشده است. آغاز قرآن با تزئینی بزرگ‌تر به شکل یک قاب مشخص می‌شود. خارج قاب در سمت بالا گاه «بسمله»

پس از گذشت مدت‌ها از نگارش آن، موردی کاملاً متفاوت است. در بسیاری موارد مخطوطات قرآن حاوی متون دیگر هم هست. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد نمونه‌های زیادی از مطالب مربوط به قرائت صحیح متن و نیز اشاراتی به اجزای آن (شماره سوره‌ها، آیات، حروف و غیره) وجود دارد. معمولاً در انتهای قرآن دعایی وجود دارد که پس از ختم قرآن خوانده می‌شود. ظاهر و طول این دعاها متفاوت است: در نسخه‌های نفیس این دعاها در دو صفحه با حروف طلایی درون قابی از تزئینات نوشته شده است.^{۶۰} دعاها دیگری هم در اینجا یافت می‌شود. در نسخه شماره ۴۴۸ یکی از کهن‌ترین موارد منسوب به غزالی (م. ۵۰۵) دعایی است که برای کارهای سحرآمیز به کار می‌رود. دعای دومی هم «برای به خواب رفتن» آمده است.^{۶۱} متون دیگر مرتبط با قرآن مانند اصول مختلف تفأل هم در نسخه‌های خطی متعدد یافت می‌شود.^{۶۲}

مصاحف قرآن در غرب جهان اسلام و در غرب افریقا

در بخش دیگر مقاله دروش به ویژگی‌های مصاحف مغربی و سودانی پرداخته است. در سنت قرآن‌های خطی تحولات منطقه‌ای را می‌توان شناسایی کرد، اما ظاهراً این تحولات در هیچ‌جا به اندازه غرب جهان اسلام بارز نیست. نخستین مصاحف به خط مغربی در پایان قرن چهارم نوشته شده است، اما مطالعه بیشتر بر مجموعه قیروان ممکن است نشان دهد که ویژگی‌های مغربی، یعنی خط، تزئینات و همچنین شیوه‌ها پیش‌تر هم وجود داشته است. نخستین قطعه‌ها بر پوست که تا قرن هشتم هم کاربرد داشت نوشته شده‌اند و مستطیلی شکل بودند. اگرچه بیشتر قرآن‌های مغربی مربع شکل‌اند شبیه همان قالبی که برای دسته‌ای از نسخه‌های خطی قرن دوم به کار می‌رفت. بیشتر نسخه‌هایی که بر چرم ساغری نوشته شده‌اند قالب مربعی داشتند، اما قرآن‌های کوچک قرن سیزدهم که بر کاغذ نوشته شده‌اند هم هنوز این قالب عجیب را دارند.^{۶۳} با این حال هنگامی که استفاده از کاغذ برای نسخه‌های قرآن رواج یافت، قرآن‌ها به طور کلی به قالب عمودی درآمدند.

خط مغربی گونه‌های متنوعی دارد. خط کوچکی که به اندلسی معروف است در قرآن‌های تک جلدی یافت می‌شود و خط‌های بزرگ‌تر در قرآن‌های چند جلدی. دیرزمانی مصوت‌ها، همانند

۶۴. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe ۵۷۶. به تاریخ ۱۱۹۵.

۶۵. رک به: نسخه ۶۷۵۴۸ در کتابخانه دانشگاه استانبول.

۶۶. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe ۳۸۵.

۶۷. Bibliothèque nationale Smith-Lesouëf. ۲۱۷.

۶۸. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe ۳۸۹. ۳۹۲.

۶۹. Bibliothèque Générale et Archives, BGA D. ۱۳۰۴.

۷۰. Türk İslâm Eserleri Müzesi, TLEM. ۳۵۹، ۳۶۰.

۶۰. برای نمونه رک به: نسخه شماره ۱۵۴۴ در کتابخانه چستربیتی یا Museum für Islamische Kunst, Inv. Nr. I ۶۸/۴۲.

۶۱. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe.

۶۲. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe ۴۱۸.

۶۳. رک به: قرآن شماره ۴۳۴ در گنجینه هنر اسلامی ناصر داود خلیلی.

یا «تسلیه» نوشته شده است. در دیگر نسخه ها سوره اول با تزئیناتی از سوره دوم جدا می شود. سایر تزئینات بزرگ تر معمولاً در ابتدای نیمه دوم قرآن (که در سنت سودانی از آیه نخست سوره مریم شروع می شود) وجود دارد، اما در آغاز ربع دوم و چهارم هم دیده می شود.^{۷۱} اگر چه تقسیمات هفت یا شش بخشی (حزب) و همچنین تقسیمات ثانویه هر یک از شش بخش به هشت قسمت معمولاً در حاشیه مشخص می شود، اما در این سنت نسخه های خطی، تقسیمات چهاربخشی آشکارا از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جلدهای سنتی این قرآن ها هم متمایز است. قسمت بالایی بزرگ تر از حد معمول است و در حالت بسته به پشت کتاب می رسد و در انتهای آن نواری چرمی وجود دارد که می توان چندین بار به دور کتاب گرداند تا آن را بسته نگه دارد. علاوه بر این کیسه ای چرمی به مثابه محافظی خارجی برای قرآن وجود دارد (در مواردی که این کیسه وجود ندارد ممکن است گم شده باشد). این ویژگی های خاص احتمالاً در پیوند با یکی دیگر از خصوصیات قرآن های سودانی است. این قرآن ها بر روی ورق هایی که از وسط تاخورده بود یا حتی ورق های [ساده] نوشته و نابه هم پیوسته رها می شدند؛ نه شیرازه داشتند و نه به هم دوخته می شدند و یک جلد محکم تنها راه حل برای جلوگیری از گم شدن یا به هم ریختگی ورق ها بود.

تحولات بعدی

در بخش بعدی مقاله نویسنده به تحولات سده های متأخر می پردازد. به استثنای تقسیم به جزء (تقسیم سی گانه) و حزب (تقسیم شصت گانه) برخی دیگر از تقسیمات متن به بخش های مساوی دیگر به کار نرفت و به ندرت در حاشیه قرآن های تک جلدی مشخص می شد. مجموعه های چهار یا حتی هفت جلدی اگر چه هنوز نمونه هایی از آنها یافت می شد، اما کمیاب شدند. قرآنی هفت جلدی در پایان قرن دوازدهم در هند نوشته شده است^{۷۲} و قرآن هایی چهار جلدی از همان دوره در مغرب شناسایی شده است.^{۷۳} در مقابل اهمیت جزء در سامان دهی متن بیشتر شد. حتی در قرآن های تک جلدی آغاز قرن نهم قرآنی به خط بحاری شناسایی شده است که ابتدای هر جزء آن با تزئیناتی پیشرفته در حاشیه مشخص شده است.^{۷۴} این شیوه بعدها در قرآن های بسیار نفیس ایرانی مرسوم شد.^{۷۵} در نسخه هایی که بسیار گران بها

نبودند تنها وسط متن به این شیوه مشخص می شد.^{۷۶} قرآن های سی جلدی فراوان اند و طیفی گسترده از بسیار معمولی تا بسیار زیبا دارند و در وسعتی از مغرب تا چین یافت می شوند. این امر احتمالاً در پیوند با تلاش برای رواج بیشتر قرائت قرآن باشد، همان طور که سایر عناصر هم در همین راستا بوده است. بر اساس گزارش های تاریخی در ایران و همچنین هند ناسخان از خطی بسیار ریز استفاده می کردند تا هر جزء را در فضای موجود در یک جفت صفحه جا دهند. بدین ترتیب فردی که می خواست برای قرائت کامل متن در یک ماه هر روز یک جزء را بخواند، بخش قرائت روزانه را در قالبی دقیق در اختیار داشت.^{۷۷} حتی قرآن هایی به خط موسوم به خط غباری وجود دارد که در دو صفحه نوشته شده اند و هر صفحه با توجه به جزء ها به ۱۵ بخش تقسیم شده است.^{۷۸}

اهمیت جزء در مناسک دینی بسیار زیاد بود، اما ثابت شده که ابزاری فوق العاده برای کتابت منظم تر متن مقدس هم بوده است. در ابتدای قرن دوازدهم کاتبان عثمانی به نوعی اندازه گیری عالی برای قرآن دست یافتند و راهی برای هماهنگ ساختن جزء با گونه ای از دسته ورق هایی که معمولاً استفاده می کردند، یعنی بسته های ده تایی یافتند. این امر حاصل هماهنگی تقسیمات فرعی جزء با تعداد معینی ورق بود. استفاده هوشمندانه از امکانات بسط یا قبض خط عربی حتی این پیامد را داشت که هر صفحه با پایان یک آیه به انتها برسد. بدین ترتیب این قرآن ها که در هر صفحه آنها پانزده سطر در قالبی کوچک نوشته شده بود و حدوداً ۳۰۰ صفحه (یعنی سی دسته ده تایی) داشت آیات پرکنار نامیده می شد. این گامی به سوی تولید منظم تر بود، تا حدودی شبیه به حرکت های مشابه در اروپای سده های میانه، هنگامی که ماشین چاپ تولید کتاب به شیوه سنتی را به خطر انداخت. تزئینات هم تا حدودی قاعده مند شد. دو صفحه آغازین شامل سوره حمد و ابتدای سوره بقره، قابی زرین برای متن، نشانه های گل دار برای جزء و غیره. این ظاهر بسیار موفقیت آمیز بود و نسخه های چاپی جدید هنوز هم از همین الگو پیروی می کنند.

این پیشرفت قطعاً بعد از نوآوری های دیگر در متن قرآن بود. احتمالاً تقریباً همان زمان توجه شده بود که واژگان یا دسته واژگان یکسان در هر بار تقریباً در جایگاهی مشخص ظاهر می شوند. ضمن حفظ تقسیمات متن که پیش تر توضیح داده شد، برخی

۷۱. برای نمونه رک به: کتابخانه دانشگاه لیدز، نسخه های عربی، شماره ۳۰۱.

۷۲. قرآن شماره ۷۰ در گنجینه هنر اسلامی ناصر دود خلیلی.

73. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe 589 or 6989.

۷۴. نسخه ۱۸۲۰ در کتابخانه دانشگاه لیدن که تاریخ آن به سال ۸۱۱ می رسد.

۷۵. رک به: کتابخانه چستر بییتی CBL 1542 یا Staatsbibliothek, SB 10450.

76. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe 418; Chester Beatty Library, CBL 1544.

77. Bayerische Staatsbibliothek, BSB Cod. Arab. 1118.

۷۸. رک به: حراج دهم اکتبر ۲۰۰۰، Lot 26، Sotheby's Loo 502.

بتوان مشخص کرد که مسلمانان به عنوان مثال قرن یازدهم تا چه اندازه به نسخه‌ای از کتاب مقدسشان دسترسی داشتند. برای نسخه‌برداری یک قرآن چه مدت زمان لازم بود؟ اطلاعات یافت شده در خود نسخه‌های خطی پراکنده است، اما می‌تواند داده‌های دقیقی را در اختیارمان قرار دهد. براساس پایان‌نوشت یک جزء قرآن در مصر به تاریخ ۱۱۷۵، کاتب یک جزء را در هشت روز نوشته است.^{۸۳} برخی از کاتبان عثمانی شمار قرآن‌هایی را که نوشته بودند مشخص کرده‌اند.

قیمت نسخه‌های خطی بالا بود و معمولاً مدت زمانی طولانی از آنها استفاده می‌شد، با احترام با آنها برخورد می‌شد و هر وقت فرسوده می‌شدند مراقبت‌های ویژه‌ای نسبت به سرانجام آنها صورت می‌گرفت. برخی از عالمان معتقد بودند که می‌توان دوباره از آن پوست یا کاغذ برای تهیه جلد قرآنی دیگر استفاده کرد، در حالی که برخی دیگر بردن یا سوزاندن نسخه‌ها تأکید داشتند. نمونه‌هایی از به ودیعه‌نهادن در قیروان و قاهره وجود دارد که شبیه سنت یهودی جنیزه^{۸۴} است.

تلاش‌هایی برای پیوند دادن نسخه‌های خطی قرآن به محیط‌های خاص^{۸۵} و ربط دادن یک تغییر در خط با تحولات دینی^{۸۶} صورت گرفته است، اما کمبود بررسی‌های جامع مدارک مانعی بر سر راه این رویکردهاست. در نهایت هنوز آگاهی‌های ما درباره نقشی که نسخه‌های خطی قرآن تا زمانی نسبتاً متأخر در جهان اسلام ایفا می‌کرد بسیار اندک است.

ناسخان موفق شدند آن واژگان یا دسته‌واژگانی را که در هر دو صفحه پدیدار می‌شوند در سطری مشابه و در موضعی قرینه قرار دهند و با جوهر قرمز مشخص سازند. در سوره شعراء همه آیات به همین صورت آورده شده است. تلاش‌ها برای نسبت دادن این صفحه‌آرایی عجیب به محیط‌های خاص یا دیدگاه‌هایی درباره قرآن تا کنون ناموفق بوده است. رواج این نوع صفحه‌آرایی محدود به امپراتوری عثمانی نبود^{۸۷} و در مغرب هم که تحت تأثیر امپراتوری عثمانی بود نیز مشاهده شده است.^{۸۸}

برخی از نسخه‌ها تنها شامل بخش‌هایی گزیده از قرآن است. معمولاً دلیل انتخاب بخش‌های گلچین این است که در عبادت‌های خاص تلاوت می‌شوند، اما همیشه هم نمی‌توان علت را به سادگی توضیح داد؛ مانند نسخه‌ای از سوره فتح که به سبکی بسیار استادانه نوشته شده است.^{۸۹} در امپراتوری عثمانی این مجلدات کوچک را انعام می‌نامیدند؛ زیرا معمولاً با گزیده‌ای از سوره انعام به دنبال سوره فاتحه آغاز می‌شدند. گزیده‌ها متنوع‌اند، اما در بسیاری از موارد با آخرین سوره پایان می‌یابند. آوردن سوره یس هم بسیار معمول بوده و گاه اولین گزیده مجلد است. در ایران و هند این سوره در آغاز گلچین‌های قرآن آمده و پس از آن سوره‌های فتح، واقعه، ملک و نبأ.^{۹۰} آشکار است که گزینش محدود به این سوره‌ها نبوده است و بررسی مدارک قطعاً اطلاعاتی از دین‌داری مسلمانان سده‌های متأخر به دست خواهد داد. بیشتر نسخه‌های خطی قرآن که تا کنون به چاپ رسیده ظاهراً مربوط به قرن دهم یا بعد از آن است.

تولید و نگه‌داری

پژوهشگران عمدتاً مسائل مربوط به تولید نسخه‌های خطی و همچنین جنبه‌های اقتصادی آن را نادیده گرفته‌اند. آیا خرید و فروش قرآن جایز است؟ آیا نسخه‌برداری متن قرآن در ازای دستمزد جایز است؟ بحث درباره این مسائل خیلی زود آغاز و قاطعانه پاسخ داده شد. گزارش‌های زیادی درباره قیمت گزاف نسخه‌های نوشته شده توسط کاتبان مشهور وجود دارد، اما قیمت قرآن‌های معمولی‌تر و همچنین نحوه انتشار نسخه‌های خطی قرآن در سرزمین‌های اسلامی همچنان در ابهام است. در مورد دوره‌های اخیر مطالعه آرشیوها و بقایای تولیدات ممکن است پاسخ‌های محدود، اما بسیار ارزشمندی را فراهم آورد، اما ظاهراً به دشواری

83. Bibliothèque nationale de France, BNF Arabe515.

84 Genizah

[مترجم: جنیزه به محلی در گورستان یا کنیسه‌های یهودی گفته می‌شود که کتاب‌های مذهبی به زبان عبری به طور موقت در آنها نگهداری می‌شود تا زمان دفن دائم آنها فرابرسد.]

85. Whelan, Writing the word

86. Tabbaa, The transformation

79. Türk İslâm Eserleri Müzesi, TLEM 469.

۸۰. کتابخانه ملی تونس. NL 14.246.

۸۱. موزه توبقایی ساری، TKSR. 18، به تاریخ ۹۰۹.

۸۲. رک به: گنجینه هنرهای اسلامی ناصر داود خلیلی، قرآن ۲۰۸.